

کینه و عداوت

طَوْنِي لِمَنْ خَالَعِنِ الْغَلِّ صَدْرَهُ وَسَلَمِ مَنِ

الْغُشِّ قَلْبَهُ :

خوشا بحال کسی که سینه اش از کینه خالی باشد
ودلش از بداندیشی برهد . «علی علیه السلام»

چرا از بدیها چشم پوشیم ؟

خسارتهائیکه از کینه جوئی متوجه ما میشود !

عکس العمل امام سجاد (ع)

شکی نیست که انسان نمیتواند از اجتماع صرف نظر کند، ورشته ارتباط خود را باهمنوعان قطع نموده و بگوشه انزوا پناه ببرد ، زیرا انسان موجود نیازمندی است و نیازمندی او هم حد و حصری ندارد ، لذا بحکم فطرت و ضرورت بایست حیات آدمی بر اساس اجتماع استوار گردد تا در سایه همکاری گروه های زندگی یکی پس از دیگری گشوده شود از طرفی زندگی اجتماعی شرائط گوناگونی دارد و همینکه انسان بمحیط اجتماع قدم گذارد پای قیود و شروط بمیان می آید ؛ و وظائف و آدابی که حصول موفقیت مستلزم رعایت کلیه آن وظائف است ؛ تولید میشود .

زندگی اجتماعی که مؤثرترین عوامل در تکوین شخصیت آدمی است ، نباید بمحیط جسمانی محدود گردد بلکه بایست آمیزشها نتیجه اتحاد روانها بوده وحشر و تماسهای صوری مظهري از هماهنگی و تناسب روحی باشد ؛ وهنگامی که جامعه از يك وحدت صوری

و معنوی برخوردار ، و روابط عمومی بر محور همبستگی کامل بچرخد ، محال است زندگی صفا و جذبه خود را از دست بدهد .

یکی از وظائف اساسی مادر دنیای معاشرت ، داشتن حس « اغماض و گذشت » از خطاها و بدیهای دیگران است ، گذشته از آنکه رابطه انسان با ابناء نوع مقتضی همین میباشد ، بالاترین آسایش آن است که شخص با سایرین پیوسته راه مسالمت و مدارا را پیماید . این نکته را نباید از نظر دور داشت که هیچکس در صحنه دنیا خالی از عیب و نقص نیست افرادی که دارای موازنه کامل باشند بسیار نادرند ؛ حتی برجسته ترین اشخاص نیز دارای لغزشهایی هستند ، و بهمین علت باید هر کس تا اندازه ای خلاف انتظارات را تحمل نموده و از خطاها و بدیهای دیگران درگذرد ، زیرا صلح و سازش پایدار جز از طریق عفو و گذشت در بسیاری از موارد حاصل نمیشود ، و مهر و صمیمیت بسط نمی یابد .

هر کس حالتی مخصوص بخود دارد و این حالت مولود مشخصات اخلاقی و روحی او است ، عفو و بخشش یکی از درخشانترین چهره های تملک نفس و بزرگواری و یکتو ع شجاعت و جوانمردی است ، کسانی که از این فضیلت با اندازه کافی برخوردارند و با وجود توانایی میبخشند اطمینان و صفائی را پیدایش میکنند که هیچ چیز با آن برابری نمیتواند کرد . گذشت موجب پرورش و نیرومندی روح میشود و موهبتی است که میتواند سرچشمه رأفت و نیکی قرار گیرد ، و بوسیله آن انسان از قید خودپرستی برهد . هر چند چشم پوشی از صدمات و بدیهای دیگران طبعاً دشوار است و نفس در مراحل نخستین بسختی می پذیرد ، اما هر قدر انسان در این راه از خود قدرت نشان دهد ، بحران هیجانات درونیش بطور محسوسی کاهش یافته و در نتیجه شخص با گذشتی خواهد شد .

عفو و اغماض بطور قطع در عواطف خصم اثر نیکی میبخشد و قهراً در طرز فکر و شیوه عمل او تحولی ایجاد خواهد کرد ، چه بسیار تیرگیها که در پرتو این صفت از میان برخاسته ؛ و دشمنی های عمیق و ریشه دار جای خود را بصفای و صمیمیت سپرده است ، دشمن متجاوز در برابر کسیکه با این سلاح نیرومند مجهز است و دارای افکار پر شفقت و جوانمردانه میباشد بزودی تسلیم و رام خواهد شد . دانشمندی میگوید : « وقتی دیگران بد میکنند ما باید خوبی کنیم خوبی در مقابل بدی یک سیاست آسمانی است که بوسیله آن آرامش زمینی برقرار میماند . » !

* * *

خسارت هائیکه از کینه جوئی متوجه ما میشود

در میان بیماریهای گوناگون و خطرناک اخلاقی که گریبانگیر بشر میشود هیچکدام

باری سنگین تراز «کینه و عداوت» بردوش آدمی نمی‌نهد، کینه‌جویی یکی از بزرگترین بلاهای سعادت و آسایش است، که از نیروی وحشتناک غضب سرچشمه میگیرد، و موازنه روحی انسان را برهم میزند. زمانی برای شخص خشمگین موجبات و عللی پیش می‌آید که بحران درونیش تخفیف می‌یابد، و موقتاً شعله‌های سوزان خشم در کانون دلش خاموش میشود، اما ممکن است از همین آتش زیر خاکستر جرقه‌های کینه و عداوت جستن کند و خرمن سعادت و آسایش وی را یکسره پاک بسوزاند؟

همانطور که عفو و گذشت نشانه بزرگواری و تعادل روان و همچنین موجد صلح و وحدت است. کینه و عداوت نیز مظهر روح خونخواری و منشأ پراکندگی و تشتت است. هر چه دشمنی برای تسکین هیجان درونی صورت میگیرد، اما زیان آسیمی که انسان از ناحیه دیگری می‌بیند به مراتب کمتر است از اینکه بخواید بدی را ببدی مقابله نموده، و با صدمه مشابهی پاسخ گوید، چه آن‌آزار بهر مقدار دشوار باشد میگذرد، ولی اگر رشته خصومت را گرفت همچون خاری زهر آلود در جان و دلش میخلد و پیوسته او را مذبذبه دارد؛ و گذشته از این، عداوت نمیتواند بدی را از میان ببرد بلکه شکاف را عمیقتر و دامنه‌دارتر خواهد ساخت، و قهراً خصم بمقتضای غریزه دفاع از خویشتن برای مبارزه آماده‌تر و مجهزتر خواهد گردید.

گاهی نتایج حاصل از دشمنی بسیار دردناک و ترمیم‌ناپذیر است، از آن امکان ناپذیر است، ممکن است انسان بارگران يك خطای بزرگ را که زائیده کینه‌جویی و ثمره کار حساب نشده و نا بخردانه بوده و به عاقبت فجیع منتهی شده است؛ در تمام عمر بر شانه خود احساس کند، و دائماً از شرمندگی روحی رنج ببرد. در قاموس زندگی بعضی از افراد اصولاً گذشت و بزرگواری وجود ندارد، و هرگز اجحاف و اهانتی را از یاد نمی‌برند؛ همین سخت‌گیری افراط آمیز و حساسیت شدید سبب میشود تمام قدرتی را که در امکان دارند بمصرف انتقام برسانند، و حتی در راه کینه توزی خود را با تش کشند. روح انتقام‌جویی در گروهی از اشخاص عکس‌العمل «عقده حقارت» است، رفتار خشونت‌آمیز و فشارهای طاقت‌فرسائی که آنها در دوران کودکی یا در محیط اجتماع می‌بینند، اثر عمیق و دردناکی در قلبشان باقی میگذارد؛ و از نظر روانی دچار یکنوع کینه‌توزی حاد می‌شوند، و خلاصه انتقام یکی از وسائلی است که مبتلایان بعد از حقارت برای جبران شکستهای خود از آن استفاده میکنند؛ و بنابراین گوناگون در صد آزار دیگران برآمده، و به جرم و جنایت خطرناکی دست می‌زنند.

یکی از بزرگان غرب میگوید: «کینه‌جویی و دشمنی نتیجه حماقت است مخصوصاً

در صورتیکه علتی نداشته باشد ، خیلی موضوعات را میتوانیم دوستانه حل کنیم ولی خودپرستی نمیگذارد بسا میشود بگو چکترین کدورتی دوستان را از خود میرانیم و درعین حال که میدانیم گناه چندانی ندارند آنها را نمی بخشیم راستی چگونه میتوانیم این ستمگری را بر خود هموار کنیم ، !

عکس العمل امام سجاد (ع)

سرگذشت رهبران دینی ما درس گذشت و بزرگواری و شرف و انسانیت است ، و مزایای روحی آنها درعالمترین صورتهای تجلی کرده است .

روزی جمعی از اصحاب بحضور امام سجاد (ع) شرفیاب بودند ناگاه مردی سیاه دل وارد شد و بی درنگ لب بجزارت گشود ، و ناچوانمردانه بساحت مقدس امام سجاد (ع) اسائه ادب کرد . حضرت باخونسردی اورامی نگریست و همچنان خاموش ماند تا سخنان وی پایان یافت و از مجلس بیرون رفت ؛ امام در این هنگام رو بحضار کرد و فرمود : مایلم شما باتفاق من بیائید تا سخنان این مرد را پاسخ گویم . حاضرین اطاعت کرده و در خدمت آن حضرت براه افتادند .

امام در ب منزل آن شخص که رسیدوی را احضار فرمود آن مرد جسور نیز خود را برای مبارزه آماده ساخت و از منزل بیرون آمد امام او را مخاطب ساخته چنین فرمود : ای برادر آن نسبت هائیکه بمن دادی اگر درست است و واقعیت دارد از خداوند بزرگ برای خویش مغفرت و آمرزش میطلبیم و چنانچه برخلاف حقیقت بوده است از پیشگاه او مسئلت میکنم که تو را مشمول عنایات و الطاف بیکران خود قرار دهد ، ! !

بیانات جذاب و ملاحظت آمیز آنحضرت روح شقاوت پیشه آنمرد را تحت تأثیر قرارداد و همۀ رنج و عذابی را که در جانش بود محو کرد ، آثار انقلاب و پشیمانی بر چهره اش نمایان شد ؛ و اشک حسرت و ندامت بر گونه ریخت ، آنگاه بالحنی سرشار از ادب با امام عرض کرد : وجود مقدس و والای شما از آن نسبتهای ناروا منزّه است ، و آنچه بر زبانم جاری شد خودم بآن لایق و سزاوارم !

امام چهارم بدینوسیله به بیروان و ملتزمین خود عملاً درس اغماض و گذشت آموخت ، و تحول سعادت بخشی را که از رهگذر عفو و بزرگواری در دل آن شخص پدید آمد به آنها نشان داد .

علی علیه السلام می فرماید : **دَقَلَّةُ الْعَفْوِ قَبْحُ الْعُيُوبِ وَالتَّسْرِعُ إِلَى الْإِنْتِقَامِ**

اعظم الذنوب - بدترین عیبها کمی گذشت از لغزش مردم و شتاب کردن در انتقام ، بزرگترین

گناهان است . (غررالحکم ص ۵۳۷)